

بخش اول

قوانین

**قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ با آخرین اصلاحات**

ماده ۱- اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

- ۱- کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی.
- ۲- وارد کردن، ارسال، صادر کردن، تولید و ساخت انواع مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی
- ۳- نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفاء، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی
- ۴- دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی.
- ۵- استعمال مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.
- ۶- تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی
- ۷- قرار دادن یا پناه دادن متهمین، محکومیت مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی که تحت تعقیب‌اند و یا دستگیر شده‌اند.
- ۸- امحاء یا اخفاء ادله جرم مجرمان.

- ۹- قرار دادن مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری.
- تبصره ۱-** منظور از مواد مخدر در این قانون، کلیه موادی است که در تصویب‌نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصاء یا توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مخدر شناخته و اعلام می‌گردد.
- تبصره ۲-** رسیدگی به جرایم مواد روانگردان‌های صنعتی غیردارویی تابع مقررات رسیدگی به جرایم مواد مخدر می‌باشد.
- ماده ۲-** هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحاء کشت برحسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد:

۱- بار اول، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی.

۲- بار دوم، ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۳- بار سوم، صد میلیون تا یک میلیارد ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.

۴- بار چهارم، اعدام

- تبصره ۱-** هرگاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستأجر ملک و یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها صورت گرفته است، شخص دستوردهنده که سبب بوده است به شرط آنکه اقوی از مباشر باشد، به مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود و مباشر که متصدی کشت بوده است، به ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره ۲- رسیدگی به جرایم مواد روانگردان‌های صنعتی غیردارویی تابع مقررات رسیدگی به جرایم مواد مخدر می‌باشد.

- ماده ۳-** هر کس بذر یا گرز خشخاش یا بذر یا برگ کوکا و یا بذر شاهدانه را نگهداری، مخفی و یا حمل کند به یک میلیون تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد بذر شاهدانه قصد تولید مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیردارویی از آن‌ها باید احراز شود.

بخش دوم

مقررات



آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۶

در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری، «آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان» به شرح مواد آتی است.

مواد قانونی مرتبط:

۱- ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

(الف) عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم

(ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع

(پ) استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا یا وسایل ارتباط از راه دور

تبصره ۱- در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و با وجود قرائن یا شواهد مبنی بر احتمال شناسایی وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تعیین می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

تبصره ۳- ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره (۱) آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجرا می‌شود.

فصل اول - کلیات

ماده ۱- اصطلاحات مذکور در این آیین‌نامه به معانی زیر می‌باشد:

(الف) بیم خطر: هرگونه احتمال خطر در مورد شاهد یا مطلع به طوری که در صورت عملی شدن آن، موجب بروز صدمه یا ضرر حداقل یک مورد از موارد مذکور در بندهای (ب) تا (ت) این ماده به شاهد یا مطلع یا اعضاء خانواده آنها گردد؛ به نحوی که احتمال خطر با توجه به مواردی مانند نوع خطر، موضوع خطر و شخصیت شاهد و مطلع و ایجادکننده خطر به‌طور متعارف، قوی باشد.

(ب) خطر جانی: هرگونه خطر وارد شدن صدمه به تمامیت جسمانی

(پ) خطر حیثیتی: هرگونه خطر وارد شدن صدمه به تمامیت معنوی، اعم از آبرو یا اعتبار

(ت) ضرر مالی: هرگونه صدمه به اموال یا حقوق مالی

(ث) خانواده: اقرбай نسبی و سببی تا درجه دوم از طبقه دوم

(ج) تدابیر: اقدامات مذکور در فصل دوم تا ششم این آیین‌نامه

(چ) قانون: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی

تبصره ۱- در تمامی موارد مذکور در بندهای ب تا ت، صدمه و ضرر حسب مورد اعم است از اینکه قابل جبران یا غیرقابل جبران، موقت یا دائم، قابل درمان یا غیرقابل درمان باشد.

تبصره ۲- مقام قضایی در تعیین تدابیر باید به شرایط طرفین دعوی، شاهد، مطلع و سایر موارد از جمله میزان خطر،

محل استماع شهادت، شرایط سنی و مزاجی شاهد یا مطلع توجه نماید.



ماده ۲- در هر حوزه قضایی، واحدی به عنوان «واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان» زیر نظر رئیس آن حوزه قضایی برای انجام امور مقرر در این آیین‌نامه ایجاد می‌شود.

تبصره - در صورت نیاز و به تشخیص رئیس کل دادگستری استان، در واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان، دفتری به نام «دفتر تأمین امنیت شهود و مطلعان» تأسیس خواهد شد تا با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط انجام وظیفه نماید.

فصل دوم: مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم

ماده ۳- مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با طرفین دعوی، طبق قانون مجاز است، لیکن در صورت بیم خطر، مقام قضایی می‌تواند از قبول درخواست شاکی یا متهم مبنی بر مواجهه حضوری شاهد یا مطلع با طرفین دعوی خودداری نماید.

تبصره - مواجهه حضوری اعم است از مواجهه حضوری به صورت حضور فیزیکی شاهد یا مطلع در جلسه مواجهه حضوری یا از طریق وسایل ارتباط از راه دور.

ماده ۴- عدم مواجهه حضوری مذکور در بند الف ماده ۲۱۴ قانون، مانع از آگاهی از اظهارات اعلام شده توسط شاهد یا مطلع، نیست.

ماده ۵- عدم مواجهه حضوری خدشه‌ای به حق سؤال از مطلع یا شاهد وارد نمی‌آورد. طرفین دعوی یا وکلای آنها می‌توانند سوالات خود را از شاهد یا مطلع به اطلاع مقام قضایی رسانده و او پاسخ این پرسش‌ها را از شاهد یا مطلع مطالبه و منعکس نماید.

ماده ۶- عدم مواجهه حضوری تنها نسبت به شخصی است که از جانب وی بیم خطر وجود دارد مگر آنکه افشای هویت شاهد یا مطلع موجب بیم خطر از جانب تمامی طرفین دعوا باشد که در این صورت از مواجهه حضوری با همه اطراف دعوا ممانعت می‌شود.

ماده ۷- در صورتی که به تشخیص مقام قضایی، تشکیل جلسات متعدد برای استماع اظهارات شاهد یا مطلع ضرورت داشته باشد، مقررات این آیین‌نامه باید در تمامی جلسات رعایت شود.

فصل سوم: عدم افشای اطلاعات

ماده ۸- عدم مواجهه حضوری مذکور در بند الف ماده ۲۱۴ قانون، مانع از حق طرفین برای اطلاع از هویت و مشخصات شاهد یا مطلع نیست؛ مگر اینکه به نظر قاضی رسیدگی کننده بیم خطر در صورت افشای اطلاعات مذکور نیز وجود داشته باشد که در این صورت مقام قضایی باید از انعکاس و افشای اطلاعات مذکور خودداری کند.

ماده ۹- عدم افشای اطلاعات، ناظر به تمامی مواردی است که موجب شناسایی شاهد یا مطلع یا خانواده وی می‌شود اعم از هویت، مشخصات خانوادگی محل سکونت، اشتغال، یا نوع فعالیت یا هر امر دیگر.

ماده ۱۰- در مواردی که شهادت بدون افشای اطلاعات شاهد یا مطلع صورت می‌گیرد، مقام قضایی مکلف است، شرایط قانونی لازم برای ادای شهادت را در این مورد نیز احراز نماید.

ماده ۱۱- عدم افشای اطلاعات شاهد یا مطلع یا خانواده وی در صورت احراز شرایط مذکور در ماده ۲۱۴ قانون، مطلق بوده و اطلاعات مزبور برای هیچ شخصی اعم از شاکی یا متهم یا وکیل آنها یا سایر افراد نباید افشاء شود.

ماده ۱۲- مقام قضایی پس از تشخیص و اتخاذ تصمیم به عدم افشای اطلاعات، مشخصات واقعی شاهد یا مطلع را بدون ثبت در پرونده به واحد مقرر در ماده ۲ این آیین‌نامه اعلام نموده و برگه‌ای با کد مخصوص دریافت می‌دارد که در تمامی اوراق بازرجویی و صورت جلسات، این مشخصات ذکر خواهد شد. احضار چنین شاهد و مطلعی با دستور مقام قضایی صرفاً از سوی واحد مذکور و از طریق ضابطانی که برای این امر اختصاص خواهند یافت صورت می‌گیرد.

تبصره - سامانه یکپارچه الکترونیکی این ماده توسط مرکز آمار و انفورماتیک قوه قضائیه تهیه و نصب می‌گردد.

بخش سوم
پاره‌ای از قوانین

**از قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴/۴/۵)**

ماده ۳۳- ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می‌شود:

- ۱- خرید و فروش رأی
 - ۲- تقلب و تزویر در اوراق تعرفه یا برگ رأی یا صورت جلسات
 - ۳- تهدید یا تطمیع در امر انتخابات
 - ۴- رأی دادن با شناسنامه جعلی
 - ۵- رأی دادن با شناسنامه دیگری
 - ۶- رأی دادن بیش از یک بار
 - ۷- اخلال در امر انتخابات
 - ۸- کم و زیاد کردن آراء یا تعرفه‌ها
 - ۹- تقلب در رأی‌گیری و شمارش آراء
 - ۱۰- رأی گرفتن با شناسنامه کسی که حضور ندارد.
 - ۱۱- توصیه به نوشتن اسم کاندیدای معین در ورقه رأی از طرف اعضاء شعبه اخذ رأی یا هر فرد دیگر محل صندوق رأی
 - ۱۲- تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی و صورت جلسات و تلکس و تلفنگرام‌ها و تلگراف‌ها.
 - ۱۳- بازکردن و یا شکستن قفل و محل نگهداری و لاک و مهر صندوق‌های رأی بدون مجوز قانونی.
 - ۱۴- جابه‌جایی، دخل و تصرف یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی
 - ۱۵- دخالت در امر انتخابات با سند مجعول
 - ۱۶- ایجاد رعب و وحشت برای رأی‌دهندگان یا اعضاء شعب ثبت نام و اخذ رأی یا اسلحه یا بدون اسلحه در امر انتخابات.
 - ۱۷- دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول و یا به نحو غیرقانونی.
- ماده ۶۹-** الصاق اعلامیه، عکس، پوستر، هرگونه آگهی تبلیغاتی بر روی علائم راهنمایی و رانندگی، تابلوی بیمارستان‌ها، تابلوی مدارس و سایر مؤسسات آموزشی دولتی و وابسته به دولت ممنوع بوده و مأمورین انتظامی در صورت مشاهده چنین مواردی متخلفین یا جلب و به منظور تعقیب قانونی به مقامات قضایی تحویل می‌نمایند. شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها نیز باید نسبت به امحاء چنین اوراق اقدام نمایند.
- ماده ۷۰-** هیچ‌کس حق ندارد آگهی یا پوسترهای تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی را که در محل‌های مجاز الصاق گردیده در مدت و زمان قانونی تبلیغات پاره و یا محو نماید و عمل مرتکب جرم محسوب می‌شود.
- ماده ۷۱-** داوطلبان ریاست جمهوری و طرفداران آنان در تبلیغات انتخاباتی به هیچ وجه مجاز به هتک حرمت و حیثیت نامزدهای انتخاباتی نمی‌باشند و متخلفین طبق مقررات مجازات خواهند شد.
- ماده ۷۲-** هرگونه آگهی و آثار تبلیغاتی باید قبل از شروع اخذ رأی از محل شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی توسط اعضاء شعبه محو گردد.
- ماده ۷۳-** مقامات اجرایی و نظارت انتخابات حق تبلیغ له یا علیه هیچ‌یک از داوطلبان انتخاباتی را نخواهند داشت. تخلف از این قانون جرم محسوب می‌شود.



ماده ۸۰- هیأت‌های اجرایی موظفند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رأی انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و ظرف ۲۴ ساعت در جلسه مشترک هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان در شهرستان مربوطه به آنها رسیدگی نمایند و نتیجه را صورتجلسه نموده و به وزارت کشور اعلام دارند.

تبصره ۲- در صورتی که شاکی بدون دلیل و مدرک و مغرضانه داوطلبان انتخاباتی را متهم نماید و عمل شاکی عنوان افترا داشته باشد قابل تعقیب و پیگیری است.

تبصره ۴- طرح و بررسی شکایات در مورد افراد **محرم‌نامه** بوده و افشای آن ممنوع است.

تبصره ۵- بازرسان گزارشات خود را منحصراً به مراجع ذیصلاح قانونی ارسال می‌دارند.

ماده ۸۴- مجازات تخلف از بند ۱۶ ماده ۳۳ به ترتیب ذیل تعیین می‌گردد:

الف - چنانچه مرتکب بدون اسلحه ایجاد رعب و وحشت نماید تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.

ب - چنانچه ایجاد رعب و وحشت خواه به تحریک یا بالمباشره همراه با اسلحه باشد و محاربه صدق نکند تا ۷۴ ضربه شلاق و یا حداکثر تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۸۵- مجازات کسی که با اتخاذ سمت مجعول در انتخابات دخالت کند (موضوع بند ۱۷ ماده ۳۳) تا ۵۰ ضربه شلاق خواهد بود و هرگاه مرتکب سندی هم در این باره جعل نموده باشد، مجازات جعل و تزویر را خواهد داشت و چنانچه دخالت وی مؤثر در سرنوشت انتخابات باشد و مسیر انتخابات یک بخش و یا یک شهرستان و یا یک استان را برهم بزند مرتکب از یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۸۸- متخلفان از موارد مندرج در ماده ۶۸ و کسانی که از طریق رادیو و تلویزیون با برنامه زنده و مستقیم تبلیغ انتخاباتی له یا علیه یکی از نامزدهای انتخاباتی نمایند و متصدیان برنامه در پخش غیرمستقیم به مجازات از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۸۹- چنانچه مأموران انتظامی با دستور کتبی فرماندار یا بخشدار از امحاء اعلانات، عکس‌ها، پوسترهای منصوبه در تابلوها و اماکن ممنوعه مندرج در ماده ۶۹ استنکاف نمایند به مجازات کسر حقوق تا یک سوم از یک ماه تا سه ماه محکوم می‌گردند و چنانچه افرادی **عالمأ در حین الصاق دستگیر** گردند به مجازات **پنج الی پانزده ضربه شلاق** محکوم می‌گردند.

ماده ۹۲- مجازات تخلف از ماده ۷۱ در مواردی که افترا یا نشر اکاذیب باشد همان مجازات افترا یا نشر اکاذیب است و در غیر موارد فوق مجازات آن تا سه ماه حبس خواهد بود.

ماده ۹۳- در اجرای صحیح اصل ۹۹ قانون اساسی و حفظ بی‌طرفی کامل، ناظرین شورای نگهبان موظفند در طول مدت مسئولیت خود، بی‌طرفی کامل را حفظ نمایند و ابراز جانبداری ناظرین به هر طریقی از یکی کاندیداها جرم محسوب می‌شود. **تبصره -** مجازات تخلف از ماده فوق انفصال شش ماه تا یک سال از خدمات دولتی یا شش ماه تا یک سال زندان خواهد بود.

ماده ۹۴- مجازات‌های این فصل به انواع مذکور منحصر نبوده و قاضی در هر مورد می‌تواند متخلف را به مجازات مذکور و یا هر مجازات متناسب دیگری که در قانون تعزیرات آمده است محکوم نماید.

قانون فوق مشتمل بر نود و چهارماده و بیست و نه تبصره در جلسه روز چهارشنبه پنجم تیرماه یک‌هزار و سیصد و شصت و چهار مجلس شورای نگهبان رسیده است.



از قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴/۹/۱)

فصل ششم - جرایم و مجازات‌ها

ماده ۴۶ - اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به‌دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هر عنوان نمایندگی داشته باشند، قبل از انتشار عمومی، مورد استفاده قرار دهد و یا موجبات افشاء و انتشار آنها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید.

۲- هر شخصی که با استفاده از اطلاعات نهایی به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید.

۳- هر شخصی که اقدامات وی نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود.

۴- هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون اقدام به انتشار آگهی یا اعلامیه پذیرهنویسی به منظور عرضه عمومی اوراق بهادار نماید.

تبصره ۱ - اشخاص زیر به‌عنوان اشخاص دارای اطلاعات نهایی شرکت شناخته می‌شوند:

الف - مدیران شرکت شامل اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل، مدیرعامل و معاونان آنان.

ب - بازرسان، مشاوران، حسابداران، حسابرسان و وکلای شرکت

ج - سهام‌دارانی که به تنهایی و یا به همراه افراد تحت تکفل خود، بیش از ده درصد (۱۰٪) سهام شرکت را در اختیار دارند یا نمایندگان آنان.

د- مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره و مدیران ذی‌ربط یا نمایندگان شرکت‌های مادر (هلدینگ) که مالک حداقل ده درصد (۱۰٪) سهام یا دارای حداقل یک عضو در هیأت مدیره شرکت سرمایه‌پذیر باشند.

ه- سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات و یا موقعیت خود به اطلاعات نهایی دسترسی دارند.

ماده ۴۷ - اشخاصی که اطلاعات خلاف واقع یا مستندات جعلی را به سازمان و یا بورس ارائه نمایند یا تصدیق کنند و یا اطلاعات، اسناد و یا مدارک جعلی را در تهیه گزارش‌های موضوع این قانون مورد استفاده قرار دهند، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهند شد.

ماده ۴۸ - کارگزار، کارگزار/ معامله‌گر، بازارگردان و مشاور سرمایه‌گذاری که اسرار اشخاصی را که برحسب وظیفه از آنها مطلع شده یا در اختیار وی قرار دارد، بدون مجوز افشاء نماید، به مجازات‌های مقرر در ماده (۶۴۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهد شد.

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

ماده ۴۹ - اشخاص زیر به حبس تعزیری از یک ماه تا شش ماه یا جزای نقدی معادل یک تا سه برابر سود به‌دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون تحت هر عنوان به فعالیت‌هایی از قبیل کارگزاری، کارگزار/ معامله‌گری، یا بازارگردانی که مستلزم اخذ مجوز است مبادرت نماید یا خود را تحت هر یک از عناوین مزبور معرفی کند.



۲- هر شخصی که به موجب این قانون مکلف به ارائه تمام یا قسمتی از اطلاعات، اسناد و یا مدارک مهم به سازمان و یا بورس مربوط بوده و از انجام آن خودداری کند.

۳- هر شخصی که مسئول تهیه اسناد، مدارک، اطلاعات، بیانیه ثبت یا اعلامیه پذیرهنویسی و امثال آنها جهت ارائه به سازمان می‌باشد و نیز هر شخصی که مسئولیت بررسی و اظهارنظر یا تهیه گزارش مالی، فنی یا اقتصادی یا هرگونه تصدیق مستندات و اطلاعات مذکور را برعهده دارد و در اجرای وظایف محوله از مقررات این قانون تخلف نماید.

۴- هر شخصی که عالماً و عامداً هرگونه **اطلاعات، اسناد، مدارک یا گزارش‌های خلاف واقع مربوط** به اوراق بهادار را به هر نحو **مورد سوءاستفاده قرار دهد.**

ماده ۵۰- کارگزار، کارگزار/ معامله‌گر یا بازارگردانی که اوراق بهادار و وجوهی را که برای انجام معامله به وی سپرده شده و وی موظف به نگاهداری آن در حساب‌های جداگانه، برخلاف مقررات و به نفع خود یا دیگران مورد استفاده قرار دهد.

مجازات‌های مقرر در ماده (۶۷۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به‌عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هرکار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

ماده ۵۱- در صورت ارتکاب تخلفات مندرج در این قانون توسط **اشخاص حقوقی**، مجازات‌های پیش‌بینی شده برحسب مورد درباره آن دسته از **اشخاص حقیقی** اعمال می‌شود که از **طرف اشخاص حقوقی** یاد شده، **مسئولیت تصمیم‌گیری** را برعهده داشته‌اند.

ماده ۵۲- سازمان مکلف است مستندات و مدارک مربوط به جرایم موضوع این قانون را گردآوری کرده و به مراجع قضایی ذی‌صلاح اعلام نموده و حسب مورد موضوع را به‌عنوان شاکی پیگیری نماید. چنانچه در اثر جرایم مذکور ضرر و زیانی متوجه سایر اشخاص شده باشد، زبان‌دیده می‌تواند برای جبران آن به مراجع قانونی مراجعه نموده و وفق مقررات، دادخواست ضرر و زیان تسلیم نماید.

بخش چهارم
آرای وحدت رویه



بخش چهارم: آرای وحدت رویه

الف) آرای وحدت رویه مربوط به جرایم علیه اموال

- ۱) قطع درختان مشترک بین چند نفر به وسیله یکی از شرکاء که مقرون به قصد اضرار و یا جلب منفعت غیرمجاز و با سوءنیت باشد جرم است. (شماره ۵۵/۷/۲۱-۱۰)
- ۲) صدور قرار اناطه ناظر بر اختلاف در حق مالکیت نسبت به اموال غیرمنقول است و اموال منقول را شامل نمی‌گردد. (شماره ۶۸/۸/۲-۵۲۹)
- ۳) جرم ورود دسته جمعی و مسلح به عنف در شب به منازل مردم و سرقت توأم با تهدید در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است. (شماره ۶۹/۱۰/۴-۵۴۱)
- ۴) رسیدگی به ادعای اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به اموالی که دادگاه انقلاب نامشروع شناخته و مصادره نموده است در صلاحیت دادگاه انقلاب است. (شماره ۷۱/۱۲/۲۱-۵۸۱)
- ۵) خیانت در امانت از جرایم مضربه حقوق خصوصی و مصالح عمومی است و رضایت مدعی خصوصی یا استرداد شکایت موضوع حق الناس را در جرم مزبور منتفی می‌سازد ولیکن به ضرورت مصلحت جامعه و حفظ نظم عمومی تعزیر شرعی یا حکومتی مجرم لازم است. (شماره ۷۳/۱/۱۶-۵۹۱)
- ۶) جرایمی که به موجب قانون کلاهبرداری محسوب می‌شوند، از جمله قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ از حیث تعیین کیفر مشمول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد. (شماره ۷۳/۹/۱-۵۹۴)
- ۷) مجازات‌های جداگانه و بیش از حداکثر مقرر در قانون برای جرایم متعدد موضوع قانون صدور چک که جرایم مشابه هستند صحیح نیست. (شماره ۵۷/۶/۲۷-۶۰۸)
- ۸) عمل متهمی که با حضور در دفترخانه و معرفی خود به عنوان مالک اسناد مربوطه را امضا می‌کند، جعل محسوب می‌شود. (شماره ۳۵/۱۰/۲۵-۳۸۸)
- ۹) استفاده از سند مجعول به وسیله جاعل جرمی مستقل محسوب می‌شود. (شماره ۱۱۸۸ - مورخ ۳۶/۳/۳۰)
- ۱۰) تعقیب ورشستگی در مرجع کیفری مستلزم صدور قرار اناطه و اثبات قبلی ورشستگی در مرجع حقوقی نیست. (شماره ۴۹/۲/۲۶-۲۰۵)
- ۱۱) ساخت رونوشت قرار منع تعقیب کیفری توسط منشی بازپرس جعل است و تصدیق خلاف واقع محسوب نمی‌شود. (شماره ۵۰/۲/۲۲-۲۴۸)
- ۱۲) چون ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشستگی از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است بر اساس ضرر و زیان مدعی خصوصی نمی‌توان ورشکسته را بازداشت نمود. (شماره ۵۰/۹/۱۷-۲۹۰)
- ۱۳) شرط تحقق جرم ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک قابلیت تعارض دو معامله با تعهد نسبت به یک مال است و در نقاتی که ثبت اسناد اجباری است معامله با سند عادی به ملکی که سند رسمی دارد معارض محسوب نمی‌شود.
- ۱۴) استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است. (شماره ۷۷/۱/۱۸-۶۲۴)
- ۱۵) فقط سرقت‌های موضوع مواد ۶۵۱ الی ۶۵۴ از نظر شروع به جرم قابل مجازات بوده و شروع به جرم در سایر سرقت‌ها قابل مجازات نیست. (شماره ۷۸/۶/۸-۶۳۵)
- ۱۶) در رویه متداول سیستم یکپارچه بانک‌ها به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید، بنابراین در صورت مراجعه دارنده چک در مهلت مقرر به شعبه دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از سوی بانک مرجوع الیه بزه صدور چک بلا محل محقق و دادگاه محل وقوع جرم صالح به رسیدگی خواهد بود. (شماره ۸۳/۷/۲۱-۶۹۹)



۱۷) رسیدگی به دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی از جمله ثروت‌های ناشی از ربا در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد. و رسیدگی به جرم ربا خواری در صلاحیت محاکم عمومی است. (شماره ۶۸۲-۸۴/۱۰/۶)

۱۸) دارنده چک می‌تواند تخییراً (برای اقامه دعوی حقوقی) به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد به دادگاه محل انجام تعهد یعنی محل استقرار بانک محل علیه و با عنایت به قاعده عمومی صلاحیت نسبی موضوع ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی برای اقامه دعوا به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند. (شماره ۶۸۸-۸۵/۳/۲۳)

۱۹) نظر به اینکه قانونگذار انتقال مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است در حکم کلاهبرداری و مشمول مجازات آن دانسته است و اقدام به این امر نیز از مصادیق اکل مال به باطل به شمار می‌رود که شرعاً حرام محسوب گردیده لذا بزه انتقال مال غیر موضوعاً از شمول مقررات ماده ۱۷۳ (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۲) (مرور زمان) خارج است. (شماره ۶۹۶-۸۵/۹/۱۴)

ب) آرای وحدت رویه مربوط به جرائم علیه اشخاص

- ۱) از بین بردن طحال، ارش دارد. (شماره ۷۴۰-۱۳۹۴/۱/۱۸)
- ۲) دیه جنبه مالی دارد و رسیدگی به دعوی مطالبه دیه از وارث جانی متوفی در صلاحیت دادگاه حقوقی است. (شماره ۵۶۳-۷۰/۳/۲۴)
- ۳) ادعای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مزاد بر دیه فاقد مجوز می‌باشد. (شماره ۱۰۴-۶۸/۹/۱۴)
- ۴) قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری شامل قوانین الهی از جمله راجع به قصاص نمی‌شود. (شماره ۴۵-۶۵/۱۰/۲۵)
- ۵) قتل غیر عمدی در اثر راندگی بدون داشتن پروانه در حکم شبه عمدی می‌باشد. (شماره ۳۲-۶۵/۸/۲۰)
- ۶) در قتل عمد اگر اولیاءدم کبیر و صغیر باشند افراد کبیر می‌توانند با تأمین سهم صغار از دیه شرعی تقاضای قصاص نمایند. (شماره ۳۱-۶۵/۸/۲۰)
- ۷) اهانت به کسانی که در سمت‌های مختلف دولتی انجام وظیفه می‌نمایند از جرایمی نیست که با انصراف شاکی، رسیدگی متوقف شود. (شماره ۴۴/۳/۲۰/۱۲)
- ۸) هر گاه کیفر جرمی دیه باشد چون دیه خود قانوناً کیفر مستقلاً است و ارزش ربالی آن محفوظ نیست، نظر محکمه و حکم دادگاه در تعیین دیه بدون توجه به مبلغ ربالی آن قابل رسیدگی تجدید نظر در دیوان عالی کشور است. (شماره ۵۴-۶۳/۱۱/۸)
- ۹) وقوع قتل خطایی که به لحاظ تخلف مقتول باشد موجب مسئولیت کیفری نیست. (شماره ۱۳-۶۲/۷/۶)
- ۱۰) ملاک قابل تجدید نظر بودن آراء، مجازاتی است که در قانون تعیین شده نه آن چه مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد و حکم براءت از قتل نیز قابل تجدید نظر در دیوان عالی کشور است. (شماره ۶۰-۷۴/۷/۴)
- ۱۱) ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده به اعضای بدن دیه تعیین نشده باشد. در ماده ۴۴۲ (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی) برای شکستگی استخوان اعم از آن که بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی بماند دیه معین شده است که حسب مورد همان مقدار باید پرداخت گردد و تعیین مبلغ زائد بر دیه با ماده مزبور مغایرت دارد. (شماره ۶۱۹-۸۶/۹/۲۸)
- ۱۲) در قتل عمد اگر دادگاه بدوی نوع قتل را غیر عمد تشخیص دهد، تشخیص دادگاه مسقط حق تجدید نظر خواهی شاکی خصوصی از جهت ادعای عمدی بودن قتل نمی‌باشد و مرجع تجدید نظر، دیوان عالی کشور است. (شماره ۶۲۱-۷۶/۹/۴)
- ۱۳) اتهام قتل غیر عمد بدون داشتن گواهینامه راندگی از موارد تعدد معنوی جرم بوده و برای مرتکب فقط یک مجازات تعیین می‌شود. (شماره ۶۳۸-۷۸/۶/۹)



۱۴) در مورد مرتکبین ایراد جرح یا اسلحه و چاقو علاوه بر تحمل مجازات مقرر در تبصره یک ماده ۶۱۴ (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی) با فرض وجود بیم تجری و لحاظ جنبه عمومی جرم مجازات مقرر در تبصره (۲) ماده ۲۶۹ (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی) قابلیت اعمال خواهد داشت. (شماره ۶۷۳-۸۳/۱/۱۶)

۱۵) ارش و دیه زن و مرد مسلمان مادام که مقدار آن به ثلث نرسد یکسان است و با رسیدن به ثلث ارش دیه زن مسلمان نصف دیه مرد خواهد بود. (شماره ۶۸۳-۸۴/۱۰/۱۳)

۱۶) مرجع تجدید نظر آراء صادره از دادگاه اطفال که مجازات آن‌ها قصاص نفس و اعدام باشد دیوان عالی کشور است نه دادگاه کیفری استان (شماره ۶۸۶-۸۵/۲/۵)

۱۷) چنانچه دو استخوان از یک عضو شکسته شود برای هر استخوان طبق ماده ۴۴۲ (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی) بایستی دیه جداگانه تعیین شود. (شماره ۶۹۱-۸۵/۷/۱۱)

۱۸) تعیین کیفر که در حدود مقررات ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی با احراز عمومی بودن قتل به طریق مقتضی و سایر شرایط مذکور در این ماده ملازمه داشته و رسیدگی به آن نیز بر اساس تبصره (۱) ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب از خصایص دادگاه کیفری استان می‌باشد و رأی صادر شده از دادگاه کیفری استان نیز ظرف مهلتی که برای تجدید نظر خواهی مقرر گردیده قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور است. (شماره ۶۹۸-۸۶/۱/۲۱)

ج) آزای وحدت رویه مربوط به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

۱) جرم ارتشاء از جرایم عمومی است و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دادگاه‌های عمومی است مگر این که تحقق آن با تشکیل شبکه چند نفری برای اخلال در نظام باشد که در این صورت در صلاحیت دادگاه انقلاب است. (شماره ۵۷۱-۱۳۷۰/۱۱/۱)

۲) مجازات ارتشاء از نوع تعزیری بوده و مشمول مرور زمان نمی‌شود. (شماره ۶۷۷-۸۴/۴/۱۴)

۳) به کلیه جرایم امنیت داخلی و خارجی کشور و محاربه و یا افساد فی الارض در دادگاه‌های انقلاب اسلامی رسیدگی می‌شود. رسیدگی به جرایم مذکور در بندهای مختلف ماده (۱) قانون اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور نیز در صورتی که طبق ماده (۲) این قانون به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد، به لحاظ این که متضمن اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی کشور است با این دادگاه‌ها خواهد بود و در سایر موارد به علت نسخ ضمنی تبصره (۶) ماده (۲) قانون اخیرالذکر در این قسمت دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت.

د) سایر آراء وحدت رویه

۱- رأی وحدت رویه شماره ۷۷۴-۱۳۹۸/۱/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه قانونگذار در ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۴/۲۳، در مقام تعیین مجازات برای انتقال دهندگان مال با انگیزه فرار از دین، به تعیین جزای نقدی معادل نصف محکوم به و استیفای محکوم به از محل آن تصویب کرده است و نیز سایر قوانین موجود در قانون مزبور، کلاً بر لزوم سبق محکومیت قطعی مدیون و سپس، انتقال مال از ناحیه وی با انگیزه فرار از دین دلالت دارند که در این صورت، موضوع دارای جنبه کیفری است لذا با عنایت به مراتب مذکور در فوق و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور که مستدعی اعاده دادرسی را قبل از محکومیت قطعی به پرداخت دین، غیرقابل تعقیب جزایی دانسته است در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و منطبق با قوانین موضوعه تشخیص می‌گردد. این رأی در اجرای ذیل ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در موارد مشابه برای کلیه مراجع قضایی و غیرقضایی لازم‌الاتباع است.

۲- رأی وحدت رویه شماره ۷۶۸-۱۳۹۷/۱/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

چون ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری برای تعیین شرایط خودداری مقام قضایی از تعقیب متهم و صدور قرار بایگانی پرونده به تصویب رسیده و تبصره آن نیز مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده (قرار بایگانی) و سایر قرارهای مربوط به جرائم مذکور در آن (جرائم تعزیری درجه هفت و هشت) را تعیین کرده است. تعمیم مقررات ماده مرقوم و تبصره آن به مقررات ماده ۴۲۸ قانون



آیین دادرسی کیفری که صلاحیت دیوان عالی کشور را در رسیدگی فرجامی نسبت به جرایم مذکور در آن صراحتاً بیان کرده است با توجه به مؤخر بودن این ماده نسبت به ماده ۸۰ و نزدیک بودن آن به نظر مقنن، فاقد وجهت قانونی است لذا به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی، رأی شعبه سی و ششم دیوان عالی کشور در حدود انطباق با این نظریه، صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق مقررات ماده ۴۷۱ قانون مذکور در فوق، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

۳- رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰- ۱۳۹۷/۴/۲۶ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

مستنبط از مقررات ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعزیر، مجازاتی است که در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود و کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام مربوط به آن به موجب قانون تعیین می‌شود و در ماده ۱۱۵ این قانون به دادگاه اجازه داده شده، مقررات راجع به تخفیف مجازات را در کلیه جرایم تعزیری اعمال کند و در تبصره دوم آن «تعزیر منصوص شرعی» که نوع و مقدار آن همانند مجازات های حدی، غیر قابل تغییر می‌باشد از اطلاق ماده اخیرالذکر استثناء شده است بنابراین نظر شعبه نهم دیوان عالی کشور که مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی را نسبت به محکومیت موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات اعمال کرده است به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص گردید. این رأی در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

۴- رأی وحدت رویه شماره ۷۵۸- ۱۳۹۶/۴/۱۳ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

مقصود از انجام تکلیف قانونی مقرر در ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، حذف احکام متعدد و صدور حکم واحد با لحاظ قاعده تعدد جرم است نه تجدیدنظرخواهی که در آن مسأله ممنوع یا مجاز بودن دادگاه از تشدید مجازات که در جریان یک دادرسی عادی لازم‌الرعایه است، مطرح باشد، لذا به حکم مقرر در این ماده در مواردی که محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد در میزان مجازات قابل اجرا مؤثر است، در صورتی که یکی از احکام در دیوان عالی کشور تأیید یا احکام متعدد از دادگاه‌های حوزه‌های قضایی استان‌های مختلف یا از دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، دیوان عالی کشور باید به تقاضای قاضی اجرای احکام کیفری، پس از نقض تمام احکام، پرونده را به دادگاهی که طبق همین ماده صالح اعلام شده است برای صدور حکم واحد با رعایت مقررات تعدد جرم و حقوق قانونی محکوم علیه، ارجاع نماید. بر این اساس رأی شعبه سی و چهارم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

۵- رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹- ۱۳۹۶/۴/۲۰ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

مجازات جزای نقدی که درجات آن در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مشخص شده، با توجه به تعیین حداقل و حداکثر آن در قانون، ناظر به جزای نقدی ثابت است و از جزای نقدی نسبی که میزان آن براساس واحد یا مبنای خاص قانونی احتساب می‌گردد و از این حیث در جرایم با عناوین مشابه یکسان نیست، انصراف دارد؛ بنابراین مجازات جرایمی که طبق قانون جزای نقدی نسبی است با توجه به حکم مقرر در تبصره ۳ ماده مورد اشاره، تعزیر درجه هفت محسوب می‌شود و رسیدگی به آن به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد و رأی این دادگاه قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است. بر این اساس رأی شعبه هفدهم دیوان عالی کشور در مورد درجه مجازات بزه تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها به‌صورت غیرمجاز که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

۶- رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱- ۱۳۹۶/۸/۲ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

مستفاد از مقررات مبحث سوم از فصل سوم بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سوابق تقنینی راجع به دبه بینی، چنانچه صدمه وارده به این عضو، بدون آسیب به قسمت‌های دیگر آن، فقط به شکستگی استخوان منجر شود و این شکستگی بدون ایجاد عیب و نقص اصلاح و جبران شود موجب یک دهم دبه کامل خواهد بود. بر این اساس رأی شعبه ۱۱۲۳ کیفری دو تهران در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مطابق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.